

پدیدارشناسی ناامنی و سنخ بندی زنان حاشیه نشین از مساله امنیت^۱

فهیمه کریمی مهر^۲، علی ربیعی^۳، شهناز صداقت زادگان^۴، فیروززاد^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۸/۰۱، تاریخ تایید: ۱۳۹۰/۱۲/۰۶

چکیده

دامنه‌ی وسیع مسایل، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در محله حاشیه نشین «مرتضی گرد» اهمیت مطالعه پدیده‌ی امنیت زنان و بازنمایی تجربه‌های ناامنی آنها را در این منطقه حاشیه‌ای ضروری می‌سازد. واکاوی روایت‌های این زنان حاشیه نشین از مساله ناامنی و صورت بندی و سنخ شناسی مواجهه آنان با مقوله ناامنی، محور موضوعی مطالعه حاضر بوده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و در پارادایم تفسیرگرایی به دنبال شناخت زیست اجتماعی سوژه‌ها و چگونگی تعریف و برساخت آنها از مساله امنیت و پدیدارشناسی ناامنی است؛ بدان معنا که درک، تفسیر و بازنمایی پدیده امنیت از نقطه نظر افراد درگیر در رخداد ناامنی چیست و در برابر این مساله چند دسته از زنان حاشیه نشین را می‌توان سنخ شناسی نمود. پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسانه و با نمونه‌گیری هدفمند انجام شده و محقق با ۲۹ نفر از زنان ۱۶ تا ۶۵ سال و دارای تجربه زیسته حاشیه نشینی، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام داده است. در این مطالعه تلاش شده است تا سوژه‌ها با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی همچون سن، وضعیت اشتغال، تحصیلات، وضعیت تأهل و شرایط متنوع از نظر داشتن و نداشتن فرزند، انتخاب شوند. تحلیل داده‌های کیفی نیز با روش تماتیک انجام شده است. یافته‌ها مطالعه حاکی از آن است که زنان مرتضی گرد، ناامنی را در مضامینی شامل: در معرض آسیب‌های اجتماعی بودن، به مثابه نگرانی و به مثابه فقدان و کمبود امکانات، معنا نموده‌اند. همچنین در مساله مواجهه با ناامنی، سنخ‌های متنوعی از بانوان حاشیه نشین شامل: زنان مطالبه گر امنیت، زنان تاب آور، زنان ناامن انگار، زنان مترصد فرار، زنان قربانی ناامنی و زنان ناامن ساز شناسایی شدند.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، ناامنی، امنیت، زنان، حاشیه نشین.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «پدیدار شناسی تجربه زیسته امنیت در بین زنان حاشیه نشین: مطالعه موردی منطقه مرتضی گرد».

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه پیام نور. تهران. ایران؛

Fahimehkarimimehr@student.pnu.ac.ir

۳. استاد تمام گروه جامعه شناسی. دانشگاه پیام نور. تهران. ایران؛ alirabiei@pnu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم اجتماعی. دانشگاه پیام نور. تهران. ایران؛ shahnazsedaghatzadegan@pnu.ac.ir

۵. استادیار گروه علوم اجتماعی. دانشگاه پیام نور. تهران. ایران؛ Rad@pnu.ac.ir

مقدمه و طرح مساله

جهان به سرعت در حال گسترش زندگی شهری است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان مسائل و معضلات زیادی را برای کلان شهرهای بزرگ ایران به دنبال داشته که یکی از مهم ترین آن‌ها بروز پدیده حاشیه‌نشینی است. پدیده حاشیه‌نشینی نخستین آسیب اجتماعی از شهرنشینی و گسترش شهرهای صنعتی است، ولی بر خلاف کشورهای صنعتی که افزایش جمعیت شهر معلول صنعتی شدن و افزایش مشاغل صنعتی است، در کشورهای کمتر توسعه یافته این پدیده به علت‌های عدیده تبدیل به حاشیه‌نشینی و نوعی تهدید اجتماعی می‌شود. در واقع حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای توسعه نامتوازن و نامنظم در نظام شهرنشینی است؛ نوعی بی‌سازمانی در فضای اجتماعی که مستمراً اصول و راهبردهای توسعه پایدار جامعه را به چالش می‌کشد؛ نوعی بی‌سازمانی اجتماعی و شهری که متأثر از اختلال کارکردی در نظم اجتماعی و نابرابری در ابعاد فرهنگی اقتصادی و اجتماعی که مسائل اساسی نظیر آسیب‌ها انحرافات و آشفتگی‌های اجتماعی و اختلال در امنیت اجتماعی را بازتولید می‌نماید. در دیکشنری آکسفورد ۲۰۲۰ در تعریف حاشیه‌نشینی چنین آمده‌است: فرآیند یا نتیجه ایجاد احساس در کسی در این خصوص که مهم نیستند و نمی‌توانند در تصمیمات یا رویدادها تأثیر بگذارند حرف زدن کسی در موقعیتی که در آن هیچ قدرتی ندارد.

حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیر رسمی دارای ویژگی‌های مشخصی چون عدم تجانس کالبدی، وجود خرده فرهنگ‌ها، چالش‌های اقتصادی (نبود پایه اقتصادی)، بزهکاری، کیفیت نازل زندگی و گسست اجتماعی هستند و سکونتگاه غیر رسمی «مرتضی گرد» در حوزه کلانشهر تهران یکی از مناطق حاشیه‌ای است که در نتیجه اشباع جمعیت و گرانی مسکن و اجاره بهاء در حاشیه منطقه ۱۹ تهران به وجود آمده است و خانواده‌هایی با تمکن مالی پایین و یا افرادی که به دلیل شکست‌های اقتصادی دارایی‌شان را از دست داده‌اند در آن ساکن شده‌اند. خانواده‌هایی که با وجود سال‌ها زندگی در تهران دیگر قادر به تامین هزینه مسکن در این کلانشهر نیستند و مجبور به حاشیه‌نشینی شده‌اند. در این بین افرادی نیز هستند که با رویای زندگی و کار بهتر شهر و دیارشان را رها کرده و به ناچار حاشیه‌نشین شده‌اند. با توجه به حضور پررنگ زنان و دختران در پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی و ویژگی‌های خاص زندگی در مناطق حاشیه‌ای و همچنین سبک زندگی خاص و متفاوت زنان و دختران حاشیه‌نشین نسبت به سایر زنان جامعه و مسایل ناامنی در مناطق حاشیه‌ای، واکاوی مسئله امنیت در منظر آن‌ها حائز اهمیت است. البته به لحاظ روش‌شناسی، احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است که در

ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف، به گونه‌های متفاوتی بروز می‌کند. از آنجا که زنان در امر مهاجرت و در موضوع مسایل اجتماعی جزو گروه‌های در معرض آسیب می‌باشند و در مناطق حاشیه‌ای و زندگی روزمره خود در این مناطق بسیار متفاوت تر از مردان با پدیده حاشیه نشینی مواجه و آن را درک می‌کنند و بیش از مردان از ابعاد مختلف مساله حاشیه نشینی متأثر می‌شوند، توجه به وضعیت زنان حاشیه نشین دارای اهمیت است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت حاشیه نشین از بسیاری جهات دچار محرومیت‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مضاعفی هستند که آنها را به شدت در معرض آسیب قرار می‌دهد. مطالعه حاضر درصدد است درک عمیقی از احساسات و توصیف تجربیات زیسته زنان حاشیه نشین از امنیت و ناامنی را فراهم آورد و به شناخت برداشت و تفسیر زنان حاشیه نشین، هم به عنوان سوژه امنیت و هم به عنوان ابژه‌ای از پدیده امنیت در تعاملات مختلف و به سنخ بندی آنان در مواجهه در برابر ناامنی بپردازد.

پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با حاشیه‌نشینی عمدتاً به عوامل پیدایش حاشیه‌نشینی و مشکلات و پیامدهای آن پرداخته‌اند؛ البته برخی تحقیقات هم به بررسی وضعیت مناطق حاشیه‌نشین از نظر دسترسی به امکانات و شاخص‌های مختلف اقتصادی اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند و به راهکارهای حل این مشکلات هم اشاره‌ای نموده‌اند. دسته دیگر از تحقیقات به مسائل و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشینی پرداخته‌اند نظیر مطالعات: عبدی و همکاران (۱۳۹۹)، نقدی و همکاران (۱۳۹۹)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۹)، پیری و همکاران (۱۳۹۹)، راسخ و همکاران (۱۳۹۸)، پازوکی و همکاران (۱۳۹۷)، بشیریه و همکاران (۱۳۹۷)، صنعتی شرفی و همکاران (۱۳۹۶)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۲)، بحیرایی و همکاران (۱۳۸۸) و... بخشی دیگر از تحقیقات نیز مرتبط با مسئله امنیت و حاشیه‌نشینی می‌باشد نظیر مطالعات: جوانمرد و همکاران (۱۴۰۰)، مطالعات ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، حامد و همکاران (۱۳۹۹)، کارگر (۱۳۹۹)، کاروانی و همکاران (۱۳۹۹)، باقری و همکاران (۱۳۹۸)، سجادزاده (۱۳۹۶)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، قاسمی اردهایی و نوبخت (۱۳۹۴)، بهرامی (۱۳۸۸)، ... دسته آخر از مطالعات، موضوع زنان و حاشیه‌نشینی می‌باشد که در مطالعات: فتحی و همکاران (۱۳۹۹)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، خیاط و همکاران (۱۳۹۹)، آور زمانی و همکاران (۱۳۹۸)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۶)، آزاده و همکاران (۱۳۹۵)، عنبری و همکاران (۱۳۹۳)، نقدی و همکاران (۱۳۹۰)

پرداخته شده است. در مجموع آنکه تحقیقات حوزه حاشیه نشینی اولاً بخش زیادی از پژوهش‌ها به عوامل و پیامد و مشکلات حاشیه نشینی تمرکز نموده است و عمده تحقیقات با روش پیمایشی انجام شده است. نکته دیگر آنکه به مبحث امنیت عمدتاً از منظر کمی و با رویکرد انتظامی پرداخته و کمتر مطالعه‌ای موضوع امنیت را از منظر کیفی توجه نموده است. از سوی دیگر موضوع زنان و حاشیه نشینی کمتر مورد توجه بوده و مطالعات اندکی در دهه اخیر انجام شده، لیکن تجربه زیسته زنان مناطق حاشیه نشین در موضوع امنیت و سنخ بندی آنها از این منظر، تاکنون در هیچ مطالعه‌ای واکاوی نشده است.

در مطالعات خارجی هم مواردی در زمینه وضعیت زنان حاشیه نشین وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره میشود:

کیت برون و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری به‌مثابه تجربه زیسته زنان و دختران به حاشیه رانده شده در بریتانیا» در تلاش هستند به گروه‌های به حاشیه رانده شده شامل زنان و دختران در بریتانیا بپردازند. آنها با استفاده از روش تحقیق کیفی در پی برجسته کردن اهمیت آسیب‌پذیری در نظام رفاهی دولت بریتانیا هستند. یافته‌های آنها حکایت از آن دارد که چگونه مداخلات ممکن است برای افزایش آسیب‌پذیری افرادی که قبلاً در جامعه محروم هستند، به کار آیند. شرایط ساختاری بر نحوه واکنش زنان و دختران در شرایط دشوار تأثیر می‌گذارد. واکنش زنان و دختران به حاشیه رانده شده شامل استراتژی‌ها و مقاومت‌های مختلفی می‌شود که آنها را قادر می‌سازد تا در شرایط سخت به بهترین شکل ممکن به نتیجه برسند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که برای مؤثر بودن، سیاست اجتماعی باید واقعیت‌های زندگی زنان و دختران «آسیب‌پذیر» را در نظر گرفته شود تا سیاستی فراگیر برای حمایت از آنها به‌منظور مدیریت یا تغییر شرایطشان شکل گیرد.

ساسمن و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه بررسی چگونگی تأثیر برداشت افراد از حاشیه‌نشینی نشان دادند که این به حاشیه راندن طولانی مدت باعث شده است که باعث میشود افراد حاشیه‌نشین برای تغییر احساس ناتوانی کنند. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که تغییر باید در سطح جامعه آغاز و اجرا شود و با حمایت بازیگران سطح نهادی یعنی دولت و شهرداری‌ها این تغییر انجام پذیرد.

1 Kate Brown, Katie Ellis, Kate Smith

رویکردهای نظری

در مطالعات کیفی درک و تجربه و تصور سوژه‌ها از پدیده مورد مطالعه و نیز برداشت وی از دنیای اجتماعی که در آن زندگی می‌کند دارای اهمیت بسزایی است؛ لذا در این گونه تحقیقات، بکارگیری نظریه بیشتر جهت شناسایی و طرح سوالات و کسب حساسیت نظری محقق می‌باشد. با این توضیح در ادامه برخی از نظریات در جهت این هدف طرح می‌شود:

نظریه‌ی فرهنگ حاشیه نشینی

به گفته مارشال کلینارد (۱۹۶۸)، حاشیه، فرهنگ مخصوص به خود را دارد و این فرهنگ یک شیوه زندگی است. نوعی معیشت رایج در حاشیه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و معمولاً دارای منطق مخصوص به خود است. فرهنگ حاشیه نشینی بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین جامعه است که معمولاً به عنوان فرهنگ فقر شناخته می‌شود. یکی از مهمترین نظریاتی که با رویکرد فرهنگی، سبک زندگی افراد حاشیه نشین و فقیر را بررسی کرده است، نظریه‌ی فرهنگ فقر اسکار لوییس است. مفهوم فرهنگ فقر یا محرومیت فرهنگی از ابداع‌های وی است. لوییس با بررسی سبک‌های زندگی مردمان بسیار فقیر امریکای لاتین به این نتیجه می‌رسد، از زمانی که مردم این کشورها از لحاظ اقتصادی به حاشیه رانده شدند، واکنش‌های تطبیقی را یاد گرفتند و از نسلی به نسل بعد انتقال دادند. به نظر او فرهنگ فقر، واکنش فقیران به جایگاه حاشیه‌ای شان در یک جامعه طبقاتی و بسیار انفرادی سرمایه داری است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. ضمن آنکه به فرزندان کمک می‌کند تا از عهده‌ی حل مسائل خاص فقر برآیند، در آنها تأثیر منفی می‌گذارد و مانع از آن می‌شود تا در جامعه‌ی سرمایه داری برای رهایی از وضعیت خود و دستیابی به موفقیت تلاش کنند (مور، ۱۳۷۶: ۲۵۷ و ۲۵۸).

نظریه‌ی تله‌ی محرومیت

فقر، محرومیت و چگونگی برخورد دولت‌ها با این مشکل در بسیاری از کشورها از جمله مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها و به ویژه برنامه ریزان به شمار می‌آید. در این میان، فقر در جوامع حاشیه‌ای یکی از چالش‌های مهم برشمرده می‌شود، که ذهن بسیاری از جامعه شناسان و صاحب نظران مسائل اجتماعی را به خود معطوف کرده است. با بررسی خانوارهای فقیر و محیط اطرافشان می‌توان مشاهده کرد، مجموعه‌ای از عوامل از جمله فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری،

انزوا و بی‌قدرتی در هم تنیده‌اند. این پدیده به عنوان دور باطل فقر، بیماری فقر، تله‌ی محرومیت و نیز تله‌ی فقر توصیف می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۰)

نظریه‌ی احساس ترس و بزه دیدگی زنان حاشیه نشین

احساس ناامنی زنان در مناطق حاشیه نشین تأثیر مستقیمی بر بزه دیدگی زنان حاشیه نشین دارد. در مورد پیامدهای فقدان احساس امنیت چلبی معتقد است که با کاهش احساس امنیت، اضطراب افزایش می‌یابد و اضطراب حاصله با سازوکارهای مختلف تولید کژرفتاری می‌کند. اضطراب ناشی از ناامنی در صورت مزمن شدن، سبب اختلال روانی می‌شود و این خود ممکن است احتمال رفتارهای ضداجتماعی را ورای گروه‌های اولیه افزایش دهد (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

رویکرد آسیب پذیری اجتماعی و زنان حاشیه نشین

در این رهیافت آسیب پذیری جنسی و جنسیتی که در بردارنده‌ی میزان آسیب پذیری فیزیولوژیکی و اجتماعی زنان، نسبت به مردان است، به عنوان زمینه‌ی مناسب بزه دیدگی شناخته شده است. برخی از محققین بر این عقیده‌اند که زنان در فرایند جامعه به گونه‌ای طبقه بندی شده‌اند که نسبت به جرم آسیب پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز آسیب پذیری بیشتر زنان را به سبب ترس از تجاوز و عدم توانایی و کنترل زنان برای مقابله و دفاع از خود در برابر این جرم بیان داشته‌اند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۸).

نظریه‌ی ناامنی اجتماعی و جنسیت

ترس و احساس ناامنی زنان، در قالب مناسبات جنسیتی قدرت و اسطوره‌هایی درباره امنیت زنان در جامعه و مکان‌های عمومی استوار است (قادر زاده و خزایی، ۱۳۹۳: ۴۰۸). فضاهای عمومی شهری اغلب جنسیت زده‌اند و بازتولید کننده نظم ناهمسان جنسیتی است، بنابراین برای زنان تجربه کردن فضاهای شهری به طرز جدایی ناپذیر با تجربه احساس ناامنی پیوند خورده است. سیطره نشانه‌ها، ایماژها و گفتارهای مردانه بر فضای شهری، برای زنان یک منبع تهدید و اضطراب به شمار می‌آید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸).

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به این‌که تاکنون تحقیقی در این موضوع انجام نشده است و تجارب زیسته کنشگران مدنظر می‌باشد، روش تحقیق، از نوع کیفی و در جهت توصیفات غنی از این پدیده اجتماعی

است. در پژوهش‌های کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معنا است آن‌طور که توسط افراد مورد مطالعه تجربه و تفسیر می‌شود. این مطالعه کیفی با رویکردی امیک و در پارادایم تفسیرگرایی انجام می‌شود. محقق در این رویکرد به دنبال شناخت جهان اجتماعی کنشگران و چگونگی برساخت آن از دیدگاه افراد درگیر در آن است (محمد پور، ۱۳۹۰: ۵۱).

انتخاب روش غالباً با ماهیت موضوع پژوهش، چارچوب نظری و معرفتی محقق مرتبط می‌باشد. جامعه یا میدان مطالعه تمام زنان ۱۶ تا ۶۵ سال است که در منطقه مرتضی گرد دارای تجربه زیسته حاشیه نشینی بوده‌اند. در این نوع نمونه‌گیری افرادی انتخاب می‌شوند که اطلاعات مورد نیاز را به بهترین وجه در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در این نوع نمونه‌گیری، حجم نمونه از قبل مشخص نیست. در مطالعات کیفی از رویکرد امیک^۱ در پارادایم تفسیری استفاده می‌شود بدان معنا که درک، تفسیر و بازنمایی پدیده با موضوع مورد بررسی از نقطه نظر افراد درگیر در آن موضوع انجام می‌شود. لذا نمونه‌گیری پژوهش حاضر، بر اساس نمونه‌گیری نظری است و محقق ۲۹ نفر از زنان حاشیه نشین مرتضی گرد را انتخاب و مورد مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته قرار داده است. در نمونه‌گیری هدفمند سعی می‌شود حداکثر تنوع برای گزینش مصاحبه‌شوندگان استفاده شود. در این مطالعه تلاش شد تا سوژه‌ها با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی چون سن، جنس، وضعیت اشتغال، تحصیلات، طبقه اقتصادی اجتماعی و حداکثر تنوع در تجربه پدیده انتخاب شوند. بر این اساس، در این پژوهش پس از انجام مصاحبه کیفی عمیق، اشباع داده‌ها حاصل آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل تماتیک است که در اینجا از تکنیک شش مرحله براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) به‌عنوان یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. مراحل شش‌گانه تحلیل تماتیک شامل: مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها، مرحله ۲: تولید کدهای اولیه، مرحله ۳: جستجوی تم‌ها، مرحله ۴: بررسی تم‌ها، مرحله ۵: تعریف تم‌ها و مرحله ۶: نگارش و تحلیل نهایی است. (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۵). برای دستیابی به قابلیت اعتماد از بررسی همکاران^۳، ممیزی خارجی، مثلث‌بندی و تأیید مشارکت‌کنندگان^۴ استفاده شده است. همچنین، با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق اتکاپذیری^۵ مورد تأیید قرار گرفته است.

1. Emic

در رویکرد امیک، هدف محقق این است که از طریق تکنیک‌های مشاهده مشارکتی، غرق در موضوع پژوهش شود. معانی و دلیل‌های رفتارها و اعمال موضوع پژوهش را درک کند.

2. Braun v. Clarke v (2006)

3. Peer Review

4. Member Checking

5. Dependability

یافته‌های مطالعه

توصیف پاسخگویان مطالعه

کد پاسخگو	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فرزند	شغل	سابقه سکونت
۱	مهسا	۲۲	دیپلم	متأهل	۲ فرزند	آرایشگر	۱۰ سال
۲	فاطمه	۲۵	دیپلم	متأهل	۱ فرزند	آرایشگر	۱۵ سال
۳	سمیه	۴۰	لیسانس حقوق	مطلقه	۱ فرزند	فروشنده لباس	۱۰ سال
۴	مینا	۴۰	دیپلم	بیوه	۲ فرزند	کار در آژانس	۸ سال
۵	مریم	۳۰	سیکل	در شرف طلاق	۲ فرزند	تهیه سبزی در منزل	۱۰ سال
۶	زهره	۶۵	در حد خواندن و نوشتن	متأهل	۴ فرزند	خانه دار	۱۱ سال
۷	راضیه	۵۸	در حد خواندن و نوشتن	متأهل	۵ فرزند	خانه دار	۱۰ سال
۸	سمین	۱۸	دهم	مجرد	-	کار در داروخانه	۴ سال
۹	سارا	۲۳	دیپلم	مجرد	-	کار در داروخانه	
۱۰	شهین	۴۰	دکتری	متأهل		پزشک درمانگاه	۱ سال
۱۱	مهناز	۲۰	دیپلم	مجرد	-	کار در خیاطی	۱ سال
۱۲	نازنین	۲۴	دیپلم کامپیوتر	مجرد	-	کار در داروخانه	
۱۳	هاجر	۲۹	لیسانس روانشناسی	مجرد	-	کارمند بهزیستی	۵ سال
۱۴	شکوفه	38		متأهل	۲ فرزند	کارمند دهیاری	۱۲ سال
۱۵	حمیده	۴۰	لیسانس معماری	متأهل	۲ فرزند	کارمند هلال احمر	
۱۶	آسیه	۴۳	لیسانس	متأهل	۱ فرزند	مدیر مدرسه	۵ سال

کد پاسخگو	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فرزند	شغل	سابقه سکونت
۱۷	زینب	۳۶		متأهل	۳ فرزند	خانه دار	۱۴ سال
۱۸	مهری	۵۶	بی سواد	متأهل و شوهر مفقود	۳ فرزند	خانه دار	
۱۹	آذر	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۰	معصومه	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۱	زهرا	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۲	گیسو	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۳	ناهید	۵۴	پنجم ابتدایی	متأهل	۴ فرزند		۱۰ سال
۲۴	خدیجه	۳۷	سیکل	متأهل	۲ فرزند	مشاور املاک	۱۰ سال
۲۵	لیلا	۳۶		مطلقه	۲ فرزند	فروشنده لباس	۱۲ سال
۲۶	نیره	۱۷	دانش آموز	مجرد	-	کمک به مادر در فروشنده‌گی لباس	۱۲ سال
۲۷	شیرین	۴۰	دیپلم	متأهل	۱ فرزند	کارمند بهزیستی	۱۳ سال
۲۸	سامه	۳۲	دیپلم	مطلقه	-	روسپی	۳ سال
۲۹	نازی	۳۳	سیکل	بیوه	۲ فرزند	روسپی	۲ سال

تعریف ناامنی از منظر زنان حاشیه نشین

ناامنی به مثابه در معرض آسیب‌های اجتماعی بودن

تعریف ناامنی از منظر زنان حاشیه نشین مرتضی گرد، انعکاس دهنده‌ی مفاهیم ناشناخته‌ای از واحدهای معنایی ناامنی بدون دخالت پیش فرض‌های پژوهشگر می‌باشد. مشارکت کنندگان پژوهش، فهم ذات تجربه‌ی خود از احساس ناامنی را با ارائه‌ی دیدگاه‌ها و تجربیات خود از آن چه

در زیست زنانه شان درونی کرده اند، بازگو می‌کنند. به بیان برخی سوژه‌ها، ناامنی منطقه مورد مطالعه به مثابه قرار گرفتن در معرض دائمی آسیب‌های اجتماعی است. این مشارکت‌کنندگان سیل بنیان‌کن آسیب‌های اجتماعی منطقه را در زمان‌های پرمخاطره و یا در فضاهای ترسناک و آسیب‌زا تجربه کرده‌اند.

خدیجه، مشارکت‌کننده ۳۷ ساله که مادر د دختر است، می‌گوید:

«خوب وقتی اینهمه بیابون دور و بر اینجا پره هزار جور خلاف میشه اتفاق بیفته، اینهمه کارگاه وسط زندگی ماست با یه عالمه کارگر که معلوم نیست کی هستن؟ از کجا اومدن؟ میشه تو همچین جایی واسه دختران نگران نباشم آخه؟!»

به زعم پاسخگویان، بسیاری از تهدیدکننده‌های جسمی و روانی امنیت که در زمان‌ها و مکان‌های خطیر به زنان حاشیه‌نشین تحمیل می‌شود به سبب فقدان نظارت‌های رسمی، هنجاری و محله‌ای مضاعف می‌گردد.

نازنین، مشارکت‌کننده ۲۴ ساله و مجرد می‌گوید:

«شبا هیچ امنیتی نداره اینجا، واسه مرداش ناامنه چه برسه به زناش. عمراً خانومی تو مرتضی گرد جرأت کنه تنها بره بیرون چون ممکنه هربلایی سر آدم بیاد. یه پلیس و مأموری هم که نیست تو کوچه‌های تاریک اینجا یه گشت بزنه، همه اینا دل آدمو میلرزونه.»

ناامنی به مثابه نگرانی

از منظر برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، ناامنی به مثابه احساس همیشگی و مداوم نگرانی است. در هویت تحقق نیافته بسیاری از دختران مجرد منطقه، بازتولید احساس نگرانی به نوعی فویبای درج‌زدگی و یا فقدان گریزگاه و یا احساس حبس‌شدگی بدل شده است. نیره دانش‌آموز ۱۷ ساله و مجرد می‌گوید:

«هروقت به آینده فکر می‌کنم، میبینم آخرش منم مثل مامانم بدبخت میشم، مگه میشه آدم تو همچین جایی زندگی کنه و خوشبخت بشه یا آدم موفق‌تری از کار دربیاد؟ نه از نظر تحصیلات نه از دواج نه پول و ثروت، هیچ امیدیه ندارم که زندگی‌م درست شه.»

احساس انفعال نسبت به موقعیت زندگی روزمره و یا ناامیدی از ترسیم چشم‌اندازی برای نجات از وضعیت موجود، مشارکت‌کنندگان را به سمت نشخوار فکری ترس و نگرانی و بازتعریف ناامنی در تجربه‌های عینی و ذهنی آنان می‌کشاند. لیلا زن مطلقه ۳۶ ساله که مادر دو فرزند است می‌گوید:

«خیلی دست و پا زدم که به زندگی به درد بخور واسه خودمو بچه هام درست کنم، الان دیگه مطمئنم که تا اینجا هیچی عوض نمیشه، وقتی واسه جون بچه هام می‌ترسم چه جور حواسمو بدم به فردا. از این خراب شده هم که نمیتونم فرار کنم، راهی ندارم، به خدا به وقتایی به این فکر میکنم میخوام دیوونه شم.»

نامنی به مثابه فقدان و کمبود

در بنیان ذهنیت اکثر مشارکت کنندگان، مفهوم نامنی به مثابه فقدان و کمبود تعریف می‌شود. معناییابی احساس نامنی در فرایندهای ذهنی این پاسخگویان در عدم کفایت امکانات و تجربه‌ی احساس تنگنا، کاستی و نقصان بازتعریف می‌شود. در تجربه زیسته پاسخگویان عدم برابری حاشیه نشینان نسبت به سایر اعضای جامعه و در اختیار نداشتن فرصت‌های یکسان اجتماعی و اقتصادی زندگی، بازتابی از احساس نامنی زنان مرتضی گرد را روایت می‌کند.

سمیه مشارکت کننده تحصیل کرده و ۴۰ ساله می‌گوید:

«مرتضی گرد مَث به بچه یتیمه که هیشکی گردنش نمیگیره! نه جزو تهران محسوب میشه نه روستا. ما از خیلی چیزا محروم میشیم واسه همین. مردم بدبخت اینجا از آب و برق محرومن، نه پارکی نه سینمایی، بیشتر زنای اینجا افسردگی دارن از نداری و بدبختی و گرفتاری، واقعا همون که تو گوگل زده درسته مرتضی گرد دره جهنمه!»

احساس عدم قدرت در تغییر و یا تأثیر در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های مهم زندگی که زنان حاشیه نشین را به کنش‌های انقیدآور و سلب‌عاملیت آنان سوق می‌دهد، با کمبود انواع سرمایه در زندگی و در نتیجه با کم‌مصرفی و کم‌یابی به متن زندگی زنان در حاشیه‌کشانده شده و فعلیت آنان را به مخاطره می‌اندازد.

آسیه، مدیر ۴۳ ساله مدرسه می‌گوید:

«فرهنگ اینجا جوریه که انگار خانوما شهروند درجه دو محسوب میشن. نه اختیاری از خودشون دارن نه کسی آدم حسابشون میکنه. انگار به نون خورن فقط. اونم چه نونی! با انواع فقر و نداری و مشکلات روانی و نگرانی درگیرن صبح تا شب. یا نگران شوهراشون یا بچه هاشون! بیشتریا خودشونو فراموش کردن.»

سنخ‌شناسی زنان حاشیه‌نشین از منظر امنیت

زنان مطالبه‌گر امنیت

در سنخ‌شناسی انواع زنان حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد از منظر امنیت، با زنان مطالبه‌گر امنیت مواجه می‌شویم. زنان مطالبه‌گر امنیت که به مولفه‌های ناامنی زنان و همچنین بسیاری از ابعاد و حتی عوامل زمینه‌های وقوع و گسترش ناامنی در منطقه اشراف دارند، معمولاً برخلاف اغلب زنان منطقه از تحصیلات دانشگاهی برخوردارند.

این زنان به سبب آگاهی از حقوق اجتماعی و شهروندی و همچنین اطلاع از بسیاری از امکانات و تسهیلاتی که امنیت زنان در مناطق دیگر شهری را تأمین می‌کند، نابرابری ارائه خدمات شهری و یا برخورداری از حقوق شهروندی برای کسب امنیت زنان حاشیه‌نشین را بیشتر از هم نوعان خود درک می‌کنند. ادراک آنان از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان را به سمت تحرکات و فعالیت‌های مشارکتی و یا تشکیل شبکه‌های اجتماعی برای آگاه‌سازی دیگران از حقوق حقه و همچنین تلاش برای دستیابی به آن چه از آن در زمینه‌های مختلف محروم شده‌اند، وا می‌دارد. زنان مطالبه‌گر امنیت مرتضی‌گرد که غالباً از شخصیت‌های پرتلاش، پویا و قوی برخوردارند زمانی که به اسلحه‌ی علم و آگاهی مسلط می‌شوند، بر بسیاری از موانع و ترس‌ها غلبه می‌کنند تا جایی که ضعف‌های شخصیتی بسیاری از زنان هم‌نوع خود در حاشیه را به قدرت‌های بی‌بدیلی برای تغییر شرایط موجود بدل می‌سازند. این زنان با بهره‌برداری از امکانات موجود در منطقه که برای شبکه‌سازی و گسترش روابط انسانی برای تولید انگیزه و همراه‌سازی زنان دیگر تلاش می‌کنند؛ علاوه بر کسب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت‌های اجتماعی به راه‌کارها و استراتژی‌های موفق و کارآمدی برای افزایش سطح احساس امنیت زنان منطقه در انواع مختلف خود و همچنین کاهش احساس ناامنی در ابعاد ذهنی و روحی زنان دست می‌یازند.

زنان مطالبه‌گر امنیت در مسیر شبکه‌سازی و بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی و تعاملی خود به ارتباط با بسیاری از مسئولین و متولیان امور در مناطق شهری مرتبط می‌شوند. این ارتباطات در موارد زیادی به رفع مشکلات و بحران‌های زنان مهاجر منطقه و رفع ناامنی در زندگی ایشان کمک شایانی می‌کند. در برخی موارد نیز همین ارتباطات با مقامات و مسئولین دولتی موجب دستیابی به موقعیت‌های بهتر اجتماعی و اقتصادی برای زنان مطالبه‌گر امنیت نیز

خواهد شد. سمیه مشارکت کننده ۴۰ ساله که دانشجوی فوق لیسانس حقوق است و پس از طلاق مجبور به مهاجرت به منطقه شده است می‌گوید:

«من همیشه به خانومای مرتضی‌گرد می‌گم، اگه ما خودمون واسه خودمون کاری نکنیم کسی دلش واسمون نسوخته. یه گروه تو اینستا درست کردم که خیلی از زنانی اینجا توش عضون. هم همه خبرای منطقه رو توش میزاریم که زنا اطلاعاتشون از دورو برشون زیاد شه هم حرفشونو به گوش مسئولین برسونن.»

همچنین مینا سوژه دیگری که پس از فوت همسر مجبور به مهاجرت به منطقه شده است می‌گوید:

«خدا خیر بده به سمیه خانوم. وقتی اومدم اینجا هیشکی و نداشتم، سمیه واسم کار پیدا کرد بعدا فهمیدم کلی از مشکلات زنانی این جا رو حل میکنه. با شوهرشون دعواشون میشه میان پیشش واسه راهنمایی، خونه یکی آتیش گرفته بود به چند تا خیر رو زد تا خوشبو بسازن، همه جا آشنا داره واسه راه انداختن کار مردم.»

زنان تاب آور

زنان تاب‌آور منطقه حاشیه نشین مرتضی‌گرد، زنانی هستند که از شخصیتی صبور و پرتلاطم برای تحمل ناامنی برخوردارند، از بسیاری از ناامنی‌هایی که به زنان حاشیه نشین متحمل می‌شود آگاهند، لیکن به سبب هویت تاب‌آور خود تلاش می‌کنند به جای تغییر در شرایط خارجی اعم از محیط یا افراد به حساسیت زدایی خود از احساس فزاینده ناامنی در منطقه بیافزایند.

زنان تاب‌آور به گونه‌ای پذیرفته‌اند که زنان مرتضی‌گرد از امنیت کافی برای حیات فردی و اجتماعی خود برخوردار نیستند، ولی مانند زنان مطالبه‌گر امنیت به تحرکات اجتماعی و میدانی برای تغییر اجتماعی دست نمی‌زنند. این سنخ از زنان که ناامنی روانی سنگینی را تحمل می‌کنند، با این که به خوبی از عدم امنیت زنان در ابعاد وسیع آن آگاهی دارند؛ به سبب شخصیت انقیاد پذیر خود یا عدم احساس توانایی برای تغییر وضعیت موجود و یا ناامیدی مطلق از امکان تغییر، پذیرفته‌اند که چاره‌ای جز تحمل شرایط موجود و پذیرش واقعیت زندگی روزمره ندارند. هویت زنان تاب‌آور نسبت به ناامنی منطقه که با عبارت "سوختن و ساختن" به خوبی ترسیم می‌شود، در پاره‌ای از موارد به سبب تجربه ناکام و بی‌نتیجه‌ای که در مقابله با ناامنی زیست خود داشته است، به نقطه تسلیم در برابر شرایط موجود یا ناامیدی از امکان هرنوع تغییر

رسیده است. در برخی موارد نیز احساس گستردگی وسیع احساس ناامنی در زوایای پیدا و پنهان زندگی در زیست حاشیه، زنان تاب آور را به حدی با ترس و نگرانی درمی آمیزد که چاره‌ای جز تحمل متناوب برجای نمی گذارد. زنان تاب آور از واکنش مسئولین مربوطه و یا اخذ تصمیمات مناسب و یا عملکرد راهگشا از سمت متولیان امر نیز ناامیدند و دیافت درونی آن‌ها، دریچه‌ای به سوی دریافت از کمک‌های نظارتی و یا میدانی برای افزایش سطح امنیت زنان حاشیه نشین گشوده نمی یابد. این زنان دریافته‌اند که اگر شرایط موجود را نپذیرند فقط خود را آزار می‌دهند و کنترل بر ابعاد مختلف زندگی را می‌بازند. راضیه مشارکت کننده ۵۸ ساله که ده سال است در منطقه زندگی می‌کند می‌گوید:

«چیکار میشه کرد؟ اینجا همین جوریه دیگه، نمیگم خوبه خوبه ولی خوب باید زندگی کنیم.

مثلا قیمت خونه هاش از تهران خیلی بهتره. من که سرم به زندگیم گرمه حواسمو می‌دم به

بچه هام که از راه بدر نشن، کار دیگه‌ای از دستم برنمیاد.»

و یا هاجر سوژه ۲۹ ساله که کارمند بهزیستی منطقه است می‌گوید:

«من وقتی از در خونه میام بیرون چشمامو رو همه چی می‌بندم که نبینم دورو برم چی

می‌گذره. سعی می‌کنم حواسمو پرت کنم از بدبختیای اینجا که دیوونه نشم.»

زنان ناامن انگار

زنان ناامن انگار در سنخ شناسی زنان منطقه‌ی مورد مطالعه از منظر امنیت، به زنانی اطلاق می‌شود که ناامنی مطلق را در این قسمت از حاشیه احساس می‌کنند. زنان ناامن انگار که معمولاً از سطح شهر تهران به دلایل مشکلات اقتصادی به این قسمت مهاجرت کرده اند، به سبب تجربه زیست شهری و مقایسه آن با زیست خود در حاشیه به تفاوت فاحشی در وجود سطح امنیت در این دو رسیده‌اند.

زنان ناامن انگار در تمام اوقات شبانه روز زیست خود در منطقه با هجوم یک یا چند نوع احساس ناامنی مواجه می‌شوند. این زنان همان قدر که از ناامنی جنسی خود در شب هنگام به شدت دچار بیم و هراس هستند، نسبت به ناامنی جانی فرزندان خود در روز روشن واهمه دارند. این سنخ از زنان حاشیه نشین مرتضی گرد، ناامنی خانوادگی وسیعی را در ارتباط با زندگی زناشویی خود به سبب وفور خانه‌های فساد و یا تعدد زنان روسپی یا بیوه و مطلقه که تجربه‌ی آشفستگی و فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها را به ارمغان آورده اند، متحمل می‌شوند.

زنان ناامن انگار غالباً همان مقدار که نسبت به ناامنی فزاینده محل زیست خود اطمینان دارند، درمورد عدم توانایی و بی قدرتی خود برای تغییر وضعیت حاکم بر زندگی روزمره خود در مواجهه با این حجم از ناامنی نیز مطمئن هستند و همین احساس عدم عاملیت، احساس کشنده ناامن نسبت به آینده خود و فرزندان خود را بر روح خسته‌ی آنان آوار می‌کند. سیمین مشارکت کننده ۱۸ ساله که در داروخانه منطقه کار می‌کند، می‌گوید:

«اینجا هیچ جور درست بشو نیست، به وقتایی میگم اگه فرهنگش عوض شه شاید درست بشه ولی هزار سال دیگه اینجا درست نمیشه.»

آسیه مشارکت کننده ۴۳ ساله نیز می‌گوید:

«از وقتی پامو گذاشتم اینجا به روز خوش ندیدم. چه جور خوش باشم که از ساعت ۵ دیگه جرأت ندارم پامو بزارم بیرون، مثل قفس میمونه به پارک هم نداره حتی. یا باید دلواپس بچه هم باشم که نکشش یا معتاد نشه یا دلواپس شوهرم که زنا‌ی خراب نیوفتن تو زندگیم.»

زنان مترصد فرار

در سنخ شناسی زنان حاشیه نشین مرتضی گرد از منظر امنیت، آمار قابل توجهی از زنان مترصد فرار را دختران مجرد منطقه در برمی‌گیرند. دختران مترصد فرار منطقه که از تحمل انواع ناامنی در منطقه خسته و کلافه هستند، تنها راه برای دوری از ناامنی نسبت به آینده که ذهن و روح آنان را می‌بلعد را فرار از منطقه درک می‌کنند.

زنان مترصد فرار منطقه همان گونه که در بیان برخی مشارکت کنندگان پژوهش عنوان شده است به یقین رسیده‌اند، که هر جای دیگر بهتر از مرتضی گرد است. این سنخ از زنان منطقه به سبب تجربه‌ی زیسته خود دریافته‌اند که با فرار از منطقه به هر طریقی و به هر کجای دیگر، از حجم وسیع ناامنی که در این قسمت از حاشیه کلانشهر تهران ادراک می‌کنند، کاسته می‌شود.

دختران مترصد فرار، برای فاصله گرفتن از ناامنی‌های متراکم منطقه در ابتدای جستجوی مسیری برای فرار از منطقه به ازدواج فکر می‌کنند. این دختران امیدوارند که با ازدواج با فردی که بتواند ادامه زیست آنان را به جایی غیر از مرتضی گرد ببرد می‌توانند از سیل ناامنی‌های منطقه فرار کنند ولی پس از دریافت تجربه‌های زیست هم نوعان خود و دقت بیشتر در عمق گردابی که در آن گرفتار آمده‌اند به این ادراک می‌رسند که پسری از بیرون منطقه هرگز دختری را که به واسطه شرایط اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی خود به اینجا تبعید شده است را به

همسری برنمی‌گزیند و این یعنی آب سردی بر آتش شور و هیجانات یک دختر جوان برای ترسیم آینده درخشان خود در آینده.

از اینجاست که دختران مترصد فرار منطقه به مسیرهای دیگری برای متواری شدن فکر می‌کنند و به همین دلیل است که بسیاری از دختران جوان منطقه تا به امروز با ریختن طرح دوستی با مردان بیگانه و یا ارتباط ناسالم با پسران غریبه و یا فریب توسط افراد شاید از منطقه گریخته‌اند و از تعدادی از آنان هرگز خبری باز نگشته است.

ولی تلخ‌ترین تجربه زیسته زنان مترصد فرار متعلق است به زنان متأهلی که به سبب ادارک ناامنی روانی که با خیانت همسر و یا اجبار به ازدواج در سنین پایین و یا ناامنی خانوادگی که با بی‌مهری همسر دریافت می‌کنند، تصمیم به فرار از منطقه می‌کنند و از آن‌جا که تردد مردان و زنان ناباب عبوری که فقط به سبب اهداف فسادانگیز و روابط غیر اخلاقی در منطقه تردد دارند، فرصت فرار با آنان برای زنان متأهل مترصد فرار فراهم شده و در کمال ناباوری به واقعیت تبدیل می‌شود. سارای ۲۳ ساله و مجرد، زندگی در مرتضی‌گرد را مانع جدی برای ترسیم نقشه‌های امیدوارکننده زندگی خود می‌داند:

«من اصلاً قصد ندارم اینجا زندگی کنم. به نظر من یکی از چیزهایی که واقعاً ارزش می‌ترسیم اینه که اینجا زندگی آینده ما رو هم تحت تأثیر خودش قرار میده. تا وقتی که من اینجا زندگی می‌کنم یه کیس خوب نصیب من نمیشه. یا آدمای داغون میان سراغ ما یا ته تهش یکی مثل خودمون واسه خواستگاری پاپیش می‌زاره. من خودم هم پسری که اینجا زندگی می‌کنه رو برای زندگی آینده خودم و ازدواج انتخاب نمی‌کنم.»

و یا گیسو دانش‌آموز ۱۶ ساله افغانستانی می‌گوید:

«بابای دوستم مجبورش کرد تو ۱۳ سالگی با یه پسر از دواج کنه. خیلی گریه می‌کرد طفلی. بعد ۲ سال شنیدم که فرار کرده از اینجا. میگن با یه مرد غریبه رفته ولی کجامعلوم نیست.»

زنان قربانی ناامنی

زنان قربانی ناامنی در سنخ شناسی زنان منطقه غالباً به زنانی اطلاق می‌شود که به سبب تجربه تلخ خود از تعرض و ناامنی جنسی زیست خود در مرتضی‌گرد، قربانی ناامنی حاکم در منطقه شده‌اند. این زنان که یا به همراه خانواده خود و به دلایل اقتصادی به منطقه تبعید شده‌اند و یا پس از فوت یا متواری شدن همسر و یا مطلقه شدن مجبور به مهاجرت مرتضی‌گرد شده‌اند، قربانی ناامنی فراوانی که در کالبد حاشیه‌نشینی خفته است، شده‌اند. برخی از این سنخ از زنان

حاشیه نشین، قربانی ناامنی جانی شده‌اند که در غوغای درگیری و نزاع‌های مدام کوچه و خیابان نصیبشان شده است و برخی در ناامنی خانوادگی که زنان روسپی و یا بیوه و یا مطلقه منطقه که برای فرار از ناامنی اقتصادی خود مهمان ناخوانده‌ی خانواده‌های دیگر می‌شوند، قربانی شده‌اند. غالب زنانی که تجربه‌ی تعرض و یا ناامنی جنسی را داشته‌اند، روان خود را در وسعت ناامنی‌های متعدد منطقه ذبح دیده‌اند. دختران قربانی ناامنی جنسی علاوه بر روح قربانی شده خود و تجربه‌ی آواری از آرزوها برای آینده، از زخم عمیقی از ناامنی حیثیتی که بر پیکره خود و خانواده خود ادارک می‌کنند رنج می‌برند، زخمی که با شرایط فرهنگی منطقه هر روز چرکین تر شده و بر قلب این دختران خسته هجوم می‌آورد. زنان متأهل قربانی ناامنی، پس از آگاهی همسر از تجربه تلخ خود در اکثر اوقات، فروپاشی و آشفتگی زندگی زناشویی را تجربه می‌کند. غم انگیزتر آن که این زنان حتی پس از طرد همسر توسط خانواده‌های خود نیز پذیرش نمی‌شوند و همین سرخوردگی و بی‌پناهی آن را به سوی زندگی‌های تجردی که زمینه‌های تجربه‌های تلخ تری از قربانی شدن و یا تبدیل شدن به زنان ناامن ساز منطقه را فراهم می‌آورد. زینب سوژه ۳۶ ساله منطقه می‌گوید:

«یه بی پدر و مادری به خواهرم تجاوز کرد چند سال پیش. دیگه بدبخت شد خواهرم. بدبختی پیچید تو مرتضی گرد. مادر و پدرم که مجبور شدن برگردن افغانستان. خواهرم خودکشی کرد طفلی.»

زنان ناامن ساز

زنان ناامن ساز مرتضی گرد در سنخ بندی زنان حاشیه نشین منطقه، زنانی را تشکیل می‌دهند که در ناامن سازی زیست حاشیه‌ی هم نوعان خود نقش بسزایی دارند. شرایط حاکم بر منطقه به سبب وفور خانه‌های فساد و فحشا و یا تردد فراوان افرادی که با اغراض شهوانی در منطقه تردد دارند، زنان ناامن ساز را که گاهی خود قربانی ناامنی هستند، برای رهایی از بسیاری از چالش‌های اقتصادی و روانی در مسیر ناامن سازی منطقه حاشیه نشین خود سوق می‌دهد. زنان روسپی یا همان زنان ناامن ساز، ناامنی روانی زیادی را به زنان هم نوع خود تحمیل می‌کنند چرا که زنان متأهل با ترس دائمی از ورود بی‌اجازه این زنان به حریم زندگی زناشویی آنان روزگار می‌گذرانند. هزینه پایین زنان روسپی و سهولت و تعدد دسترسی و مکان‌های آماده در منطقه ارکان خانوادگی بسیاری از زنان متأهل را تهدید می‌کند و بسیاری از مردان را به سمت خیانت می‌کشاند.

بخش تراژدی تجربه زیسته زنان ناامن سازی که قبل از روسپی شدن برچسب مطلقه بودن را یدک می‌کشیدند این است که گاهی به واسطه‌ی تجربه خیانت شوهران خود توسط زنان ناامن ساز دیگری که زندگی زناشویی شان را در کام هوس خود فرو برده‌اند طلاق را برگزیده‌اند. زنان ناامن ساز در موارد زیادی نامنی روانی قابل توجهی را به فرزندان خانواده‌هایی که مهمان ناخوانده آنان شده‌اند وارد می‌کنند. این فرزندان با ادراک خیانت پدران خود تصمیم به فرار و یا واکنش‌های رفتاری نامتعارف و یا پناه بردن به آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و یا ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گیرند.

دسته‌ای از زنان ناامن ساز، سرپرست خانوار خود بوده و مجبور به ایفای نقش همزمان پدری و مادری در خانواده خود هستند. این زنان که بار سنگینی از نامنی اقتصادی را بر گرده‌های خود تحمل می‌کنند، برای تأمین هزینه‌های زندگی حاشیه نشینی، ناخواسته در مسیر روسپی‌گری قرار می‌گیرند. بسیاری از آن‌ها پس از آن که از یافتن شغلی برای امرار معاش خود ناامید شده‌اند با راهنمایی غلط برخی هم‌پالگی‌ها و یا سهولت تأمین معاش از طریق تن‌فروشی در منطقه مورد مطالعه در این راه قرار گرفته‌اند.

نازی، مشارکت‌کننده روسپی ۳۳ ساله می‌گوید:

«بعد از بیوه شدنم هرکاری کردم که شکم خودمو بچه هامو سیر کنم. گفتن تهران کار و کاسبی بهتره اومدم تهران ولی خوب سر از تن فروشی درآوردم. رفقام که اینجا اومده بودن قبلاً، گفتن اینجا همه جوهر راحتتره واسه کار ما هزینه هام کمتره، مکانم فراوونه، منم اومدم اینجا.»

سامه مشارکت‌کننده ۳۲ ساله‌ای که پس از طلاق برای فرار از حرف‌ها و نگاه‌های همشهریان

به مرتضی گرد مهاجرت کرده چنین می‌گوید:

«روزی که از شهرم فرار کردم اومدم اینجا با خودم گفتم میرم کار پیدا میکنم و رو پای خودم وامیستم و از منت پدر و غرغر مادر خلاص. غافل از اینکه بعد یه سال درگیری و دنبال کار و کمک از این و اون خودمو تو باتالاقی دیدم که واسه ۱۰۰ تومن ۲۰۰ تومن حراج کردم.»

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تضمین امنیت حاشیه شهرها دغدغه و عاملی مهم در سلامت اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی شهرها به تبع آن کل کشور است. توسعه حاشیه نشینی با تحت تاثیر قرار دادن امنیت اجتماعی به ویژه فراهم کردن بستر لازم برای ارتکاب جرایم و آسیب‌ها مورد توجه تحلیلگران اجتماعی

بوده است. حاشیه نشینی به دلیل عدم انسجام و همبستگی با درون جامعه شهری و با افزایش آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی جامعه می‌شود. مطالعه وضعیت حاشیه نشینان به جهت جمعیت عمدتاً جوان این مناطق، وجود فقر و محرومیت، بیکاری و ناامنی شغلی، تحصیلات پایین اغلب حاشیه نشینان، کمبود امکانات تفریحی، ضعف سطح بهداشت محلات و... . مستعد شرایط ناامنی و ناامن سازی ساکنان است. زنان ساکن حاشیه شهرها از جمله منطقه مرتضی گرد نیز با چنین مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان می‌باشند. آنها از فقر آموزشی و اقتصادی و حتی کالبدی محل زندگی خود رنج می‌برند. ناکافی بودن امکانات از یک سو و عملیاتی نشدن سند توانمندسازی بافت‌های حاشیه‌ای از سوی دیگر، زنان این محدوده را بیش از پیش با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرده است. زنان به دلیل روحیه حساس و آسیب پذیری که نسبت به مردان دارند، بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی و ناامنی قرار دارند. در واقع زنان بیشترین هزینه‌دهندگان در این بافت‌ها هستند که نیازمند توجه ویژه از سوی مدیریت شهری می‌باشند.

تجربه زیست در محلات مرتضی گرد، از نظر اغلب سوژه‌ها با احساس ناامنی پیوند خورده است. این مطالعه درصد بود تا دریابد که زنان به عنوان کنشگران اجتماعی درک و تفسیرشان از مسأله امنیت چیست و آن را چگونه و چطور دریافت می‌کنند؟ دلالت‌های معنایی آنها از ناامنی چیست؟ یافته‌های مطالعه نشان داد که زنان این مطالعه، به سه دلالت معنایی بر ناامنی اشاره داشتند: اول ناامنی به مثابه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و جرایم و مسایل اجتماعی بودن. به اذعان آنها، زنان بیش از مردان در معرض چنین دیدگی‌هایی هستند. ناهنجاری‌های اجتماعی جنسیتی از یکسو، بسترهای ناامنی زنان علیه زنان را فراهم می‌سازد و جامعه پذیری نادرست مردان و ناکامی‌های مرتبط با تأمین نیازهای روزمره آنها و احساس محرومیت شان از امکانات حداقلی زندگی از سوی دیگر، خشونت‌ها را به سمت بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و ناامن سازی مرتضی گرد برای ساکنین آن به ویژه زنان سوق می‌دهد. دلالت دوم از ناامنی در نزد زنان مصاحبه شونده، ناامنی به مثابه نگرانی از آینده و نگرانی از وضعیت و شرایط پر مخاطره و تهدیدهای پیش رو است. این نگرانی چشم انداز تاریکی از آتیه و آینده سوژه‌ها را نشان می‌دهد و همین خود موجب احساس ناامنی بیشتر خواهد شد. سومین معنای موردنظر زنان از ناامنی به معنای فقدان امکانات در حوزه‌های مختلف و محرومیت‌های مضاعف و تشدید شده در سایه انزوا و طرد اجتماعی محلات مرتضی گرد معنا می‌شود. زنان

حاشیه نشین مرتضی گرد با توجه به فشار جنسیتی که به آن‌ها وارد می‌شود، شرایط سختی را برای ادامه حیات اجتماعی و خانوادگی خود می‌گذرانند. بی شک زنان در این محیط‌های شکننده احساس امنیت ندارند و کودکانی که در این شرایط بزرگ می‌شوند سخت می‌توانند خود را از این محیط خارج کنند؛ مگر اینکه شرایط خروج از محیط برای آن‌ها فراهم باشد. این نوشتار همچنین درصدد بود تا تصویری از انواع زنان این منطقه از حیث مساله امنیت و نیز مواجهه با ناامنی از منظر آن‌ها ارائه دهد. این نوع صورت بندی می‌تواند مواجهه‌های نهادها و سازمان‌ها را با مساله امنیت در این مناطق روشن سازد.

در بحث امنیت باید به مقوله جنسیت توجه خاص شود و ساختارهای متفاوت جنسیت مردان و زنان را در فهم آن‌ها از مقوله امنیت و ناامنی و تجارب آن‌ها از نظر امنیتی را در نظر داشت. زنان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار در مقوله امنیت هستند که به جهت ویژگی‌های جسمی و روانی عاطفی و جسمی نسبت به مردان در این زمینه دارای شرایط خاص و حساسیت ویژه‌تری می‌باشند. زنان و مردان فضاهای شهری و محیط‌های کالبدی را به‌طور متفاوتی تجربه و درک می‌کنند. واکاوی داده‌های مصاحبه‌ها، سنخ بندی متنوعی از بانوان حاشیه نشین را در این موضوع ارائه نمود: زنان مطالبه گر امنیت، زنان تاب آور، زنان ناامن انگار، زنان مترصد فرار، زنان قربانی ناامنی و زنان ناامن ساز انواع سنخ‌هایی بودند که شناسایی شدند. احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای جنسی شده که قدرت مردان را بر زنان مسلط می‌کند، موجب محدودیت فعالیت و تحرک زنان در فضاهای عمومی آن می‌شود و احساس ترس زنان از دنیای مردانه و احساس تحت تسلط مردان بودن را در آنان تشدید می‌کند.

ادراک زنان در تعاملات اجتماعی مخاطره‌آمیز و ترس و دلهره آن‌ها از فضاهای کالبدی به جهت ناامنی تجربه‌شده بر تعریف آن‌ها از مقوله امنیت/ ناامنی مؤثر می‌باشد. زنان، محله مرتضی گرد را به جهت در حاشیه بودن، نظارت اجتماعی ضعیف، وجود فضاهای خلوت، جرم‌خیزی و امکان بزه‌کاری افراد مجرم و مستعد جرم، فضایی فاقد امنیت شمرده‌اند. برخی دیگر از سوژه‌ها نیز به جهت احساس بیگانگی اجتماعی در محله مرتضی گرد و وجود اقوام، زبان‌ها و مذاهب و اتباع خارجی، فضایی می‌دانند که زنان در آن احساس امنیت ندارند. وجود محلاتی با کاربری مشاغل مردانه و فضاهای مردانه و نیز تردد موتورسواران که هراس از مزاحمت جنسی را تشدید می‌کند. خلوت بودن خیابان‌ها در برخی از ساعات روز، بی تفاوتی همسایه‌ها نسبت به اموال یکدیگر و همچنین، خلأ حضور مأموران نیروی انتظامی و زمینه جرم برای افراد خاطی،

وجود فضاهای ناامن شهری در محله، وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله، وقوع رفتارهای ناپه‌نجان در محله و مورد خشونت واقع شدن در محله، احساس ناامنی را در بین زنان می‌افزاید. برخی از زنان مرتضی‌گرد با عنوان «زنان ناامن انگار» که فضای مرتضی‌گرد را در بر ساخت اجتماعی، مکانی ناامن در ذهن خود تصور و بر ساخت کرده‌اند. برخی دیگر از زنان که با اصطلاح ناامن ساز معرفی می‌شوند، موجب ناامنی اخلاقی و اجتماعی در محیط اجتماع مرتضی‌گرد و برهم زنده تعاملات خانواده‌ها هستند و احساس فروپاشی تعاملات خانواده را در برخی سوژه‌ها تشدید می‌کنند.

بی‌تردید ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی از جمله مرتضی‌گرد به تنهایی نمی‌توانند تغییر و تحول عمده‌ای را در رابطه با بهسازی محیط کالبدی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی خود انجام دهند. از طرف دیگر نهادهای قانونی نیز به تنهایی قادر به رفع این مشکلات نیستند. برای ایجاد تغییر و بهبود وضعیت، نیاز به مشارکت تلفیقی به منظور توانمند سازی است. اما در مسیر ارتقاء و توانمند سازی سکونتگاه‌های غیررسمی چالش‌های بسیاری از جمله چالش‌های قانونی، مالی و اقتصادی و چالش‌های مالی و کالبدی وجود دارد که باید تسهیل گردد و دولت و مردم باید برای فراهم کردن این شرایط همکاری کنند. بر این اساس لازم است برنامه‌های توانمندسازی و بازآفرینی شهری در محلات حاشیه نشین، زنان را مورد هدف قرار دهند و به آنها توجه کنند. کنترل‌های رسمی در این مناطق اگرچه لازم است، اما ناکافی است و باید از توان و مشارکت خود مردم برای ساماندهی و ارتقای کیفیت زندگی زنان و مردان این مناطق استفاده کرد.

- آزاده، منصوره اعظم، قاضی نژاد، مریم؛ صادقی ولنی، آرزو (۱۳۹۵) «بررسی رابطه بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان (مقایسه تطبیقی دو محله ونک و سرآسیاب)». فصلنامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۰۵-۲۲۴.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- آور زمانی، حمید؛ صفایی نبات، حمیده (۱۳۹۸) احساس ناامنی در تجربه زیسته زنان حاشیه نشین شهری (مطالعه موردی سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای جنوب شهرستان شهریار). جامعه فرهنگ رسانه، ۸ (۳۲)، صص ۱۳۵-۱۶۰.
- باقری، نسرین؛ خانی، محمود (۱۳۹۸) تأثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت عمومی با رویکرد پیشگیری اجتماعی (مورد مطالعه: شهر خرم آباد)، فصلنامه علمی دانش انتظامی لرستان، سال هفتم، شماره سوم، صص ۱۷۷-۲۵۸.
- بحیرایی، حمید؛ اسدی، احمد (۱۳۸۸) «نقش حاشیه نشینی در بروز آسیب‌های اجتماعی». فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، پیاپی ۷۱، صص ۳۱-۴۳.
- بختیاری، تقی، هاشمی، حمید؛ سیدی، سیدعباس (۱۳۹۲) «بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر جرایم اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان مشهد)». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۶۳.
- بشیریه، تهمورث؛ مظفری، محمدسعید (۱۳۹۷) «رابطه حاشیه نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه نشین دولت آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)». نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی، پیاپی ۱۱، صص ۱۶۱-۱۹۰.
- بهرامی، رحمت الله (۱۳۸۸) «عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی / مطالعه موردی شهر سهندج»، مسکن و محیط روستا، دوره ۸، پیاپی ۱۲۶، صص ۷۱-۵۸.
- پازوکی، معصومه؛ شیخی، داوود؛ یوردخانی، مختار (۱۳۹۷) «عوامل موثر بر میزان افزایش جرم در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: شهر پاکدشت)». فصلنامه آمایش محیط، پیاپی ۴۱، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- پوراحمد، احمد؛ آروین نگار رحیم پور، محمود (۱۳۹۶) «ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز». مطالعات شهری، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۵۳-۶۸.
- پیری، فردین؛ محمدی، میرصادق (۱۳۹۹) «بررسی شاخص‌های طراحی محیطی بر میزان وقوع جرائم شاخص بر مناطق حاشیه نشین شهر ارومیه». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، پیاپی ۲۹، صص ۸۱-۱۰۲.

جوانمرد، کرم الله، یوسف وند، پروانه (۱۴۰۰) « سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین مناطق حاشیه نشین و مرکزی (شهر خرم آباد). پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۵۴)، صص ۵۷-۸۲.

چلبی. مسعود (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی، چاپ دوم. چمبرز، ریچارد (۱۳۷۷) توسعه روستایی و الویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.

خیاط سمیرا، دولتیان ماهرخ، فنائی حامد، نویدیان علی، محمودی زهره، کسائیان امیر (۱۳۹۹) «بررسی سبک زندگی، مهمترین چالش و عوامل مرتبط با آن در زنان حاشیه نشین»، فصلنامه سلامت و بهداشت. دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۶۶۳-۶۵۲

راسخ، کرامت الله و سمیه محمودی میمند (۱۳۹۸) «عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر بزهکاری جوانان حاشیه نشین در شهر کرمان»، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص 28-9.

سجاد زاده، حسن؛ ایزدی، محمدسعید؛ حقی، محمدرضا (۱۳۹۶) « سنجش عوامل محیطی مؤثر بر احساس امنیت ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر همدان». پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دوره ۵، صص ۷۰۵-۷۲۰.

شاطریان، محسن، حسینی زاده آرانی، سید سعید؛ سخایی، ایوب؛ حسینی، محمدرضا (۱۳۹۵) «تهاد دین و امنیت؛ بررسی و سنجش ارتباط میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان». مجله جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، پیاپی ۷، صص ۱۲۱ - ۱۴۹.

شاطریان، محسن؛ حیدری سورشجانی، رسول؛ دولتیاران، کامران (۱۳۹۹) «مدل یابی و تاثیر ابعاد اجتماعی حاشیه نشینی بر وقوع جرم (مطالعه موردی: مناطق حاشیه نشین شهر کاشان)». مجله مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، پیاپی ۵۰، صص ۲۴۹-۲۶۵.

شاطریان، محسن؛ حیدری، رسول؛ شاطریان؛ کامران دولتیاران، محمود. (۱۳۹۹) «مدل سازی و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه نشین شهر کاشان». فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، پیاپی ۳۷، صص ۹۱-۱۰۸

شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر (۱۳۹۲) «عوامل مؤثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان / نمونه موردی محله غربت‌ها و پمپ رعیتی». فصلنامه جغرافیا، پیاپی ۳۶، صص ۲۰۱-۲۱۴.

صادقی سقدل، حسین؛ عساری آرانی، عباس؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ محمدی تیراندازه، مینو (۱۳۹۹) «بررسی مولفه‌های مؤثر کلان اقتصادی بر روند حاشیه نشینی بعد از انقلاب اسلامی».

- فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، پیاپی ۳۶، صص ۱۰۳-۱۲۳.
- صادقی فسائی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۰) «بررسی عوامل موثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران». فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره نهم، شماره ۱، ۳۵-۶۲.
- صنعتی شرقی، نادر؛ وحیدی، روح الله؛ حمیدی، سهیل (۱۳۹۶) «تحلیل ساختاری رابطه میان حاشیه نشینی و جرم». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۹، شماره ۳، صص ۵۷-۸۲.
- عبدالله زاده، نسیم؛ کیوان بلند همتان، محمد امجد زبردست (۱۳۹۷) «تحلیل روایت زنان از نابرابری‌های جنسیتی در میدان آموزش مورد مطالعه: زنان مناطق حاشیه‌ای نایسر شهر سنندج». فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پیاپی ۳۶، صص ۱۷۵-۲۰.
- عبدی، مجتبی؛ جعفری کافی آباد، صابر (۱۳۹۹) «در شهر و بی شهر؛ مردم نگاری تجربه حاشیه نشینی در میان حاشیه نشینان محله سعیدآباد (با تاکید بر ابعاد اقتصادی و مناسبات قدرت و مدیریت شهری)». نشریه مطالعات جامعه شناختی، پیاپی ۵۷، صص ۱۷۹-۲۲۴.
- عریضی، فروغ؛ ربانی، رسول؛ کریمی، فاطمه (۱۳۸۲) «بررسی مسائل حاشیه نشینی با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی (مطالعه موردی مناطق ارزنان و دارک اصفهان)». فصلنامه علوم اجتماعی، پیاپی ۲۴، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- عنبری، موسی؛ بقایی، سارا (۱۳۹۳). ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری (مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان) فصلنامه توسعه محلی (شهری، روستایی)، دوره ۶، شماره، صص ۲۰۹-۲۳۲.
- فتحی، آیت الله؛ مهدیه باقرزاده (۱۳۹۹) «پیش بینی امنیت اجتماعی بر اساس سلامت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی در زنان مناطق حاشیه نشین تبریز». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۲)، صص ۸۷-۱۰۸.
- قادرزاده، امید؛ خزایی، سارا (۱۳۹۳) «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی (۱۳۹۳)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۳، صص ۴۰۵-۴۲۴.
- قاسمی اردهایی، علی؛ نوبخت، رضا (۱۳۹۴) «حاشیه نشینی و احساس امنیت: مطالعه جوانان حاشیه نشین شهر تبریز»، نشریه جمعیت، پیاپی ۹۱-۹۲، صص ۳۷-۵۷.
- قاسمی، یارمحمد؛ عبدالهی، زهرا؛ محمدزاده، امید (۱۳۹۹) «بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر شیوع آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه محله‌های خاتمی و مهرآباد شهر ایلام)». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، پیاپی ۲۹، صص ۱۲۱-۱۴۴.
- کارگر، بهمن (۱۳۸۶) «حاشیه نشینی و امنیت»، فصلنامه جغرافیا، شماره پنجم، دوره ۱۴ و ۱۵، صص ۱۳۹-۱۴۸.

کارگر، بهمن، (۱۳۹۰). شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
کاروانی، عبدالطیف، ابوالفضل پور منافی، سمیه ریسی (۱۳۹۹) «تحلیل کیفی شرایط و عوامل علی فقر و ناامنی در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان»، پژوهش نامه مطالعات مرزی، پیاپی ۳۰، صص ۶۱-۷۹.
لوئیس، اسکار (۱۳۵۳)، فرهنگ فقر، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، دوره اول، ۱۲۴-۱۳۷.

محمد پور، احمد؛ عزیزاده، مهدی (۱۳۹۰) «زنان و فرهنگ فقر؛ مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری»، دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۹۷-۱۶۵.
محمد پور، احمد (۱۳۹۰)، ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی، جلد اول، تهران: نشر جامعه شناسان.

محمدی، جمال؛ مریم مرادی پادوک (۱۳۹۲) «بررسی احساس امنیت زنان در مناطق مختلف شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان»، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۵۵-۱۷۲.

محمدی، مهدیه و بیرنگ علی آذر (۱۳۹۸) «تحلیل احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری، مطالعه موردی: تبریز. پژوهش‌های بوم شناسی شهری، سال ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۰)، صص ۲۷-۴۰.

مور، استفن، (۱۳۷۶) دیباچه‌ای بر جامعه شناسی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
نقدی، اسدالله؛ توانا، علی (۱۳۹۹) «شهری در حصار حاشیه‌ها مطالعه رضایت از زندگی در بین حاشیه نشینان شهر کابل»، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۶۰.
نقدی، اسدالله. صادقی، رسول (۱۳۸۵) «حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)»، رفاه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۲۱۳-۲۲۴.

نقدی، اسدالله؛ صادق زارع (۱۳۹۰) «الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری». فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۶.
نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (۱۳۹۰) «مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی زنان حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهرک سعدی شیراز)». مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۳، شماره ۹، صص ۶۷-۹۶.

نقدی، اسدالله؛ صادق زارع (۱۳۹۸) «جهان چهارم ایرانی- سیمای «زیست حاشیه‌ای» و «مسائل شهری» در همدان و برخی راه چاره‌ها». نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳، صص

نوروزی. فیض اله، فولادی سپر. سارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸. شماره ۵۳. صص ۲۱۳-۲۳۳.

Abdi, M. , & Jafari Kafabad, S. (2021). "In" City and Cityless; Ethnography of Marginalization Experience among the Marginalized Residents of Saeedabad Neighborhood (With Emphasis on Economic Dimensions and Power Relations and Urban Management). *Sociological Review*, 27 (2), 179-224. doi: 10. 22059/jsr. 2021. 81423. (In Persian)

Abdolahzadeh, N. , Bolandhematan, K. , & Zebardast, M. (2018). Women's Narrative Analysis of Gender Inequalities in Education Field: Case Study: Women in Marginal Areas of Naysar, Sanandaj. *Social Development & Welfare Planning*, 10 (36), 175-208. doi: 10. 22054/qjsd. 2018. 9600. (In Persian)

Anbari, Moosa ; Baghai, Sarah (2013) Culture of Poverty and Women Sybgray Test compliance with the realities of poverty and cultural theory , *Journal of Community Development Journal of Community Development*, Volume:6 Issue: 2, ,Pp: 209 -232. (In Persian)

Arizi, F. , Rabbani, R. , & karimi, F. (2004). A Survey of Suburbanation Problems and Difficulties with an Emphasis on Social and Cultural Aspects Case Study Arzanan and Dark Esfahan, *Social Sciences*, 10 (24), 101-128. . (In Persian)

Avarzamani ,Hamid ; Safaee Nabat, Hamideh (2018) Unsafe of Life of Women Living in Slums Experience (Case Study: South of the City's Slums Shahriar); . *Society , Culture and Media*, 8 (32), pp. 135-160. (In Persian)

Azam Azadeh, Mansoureh ; Ghazinejad ,Maryam ; Sadeghi Veln,i Arezou (2015) " The relationship between the position of neighborhoods and the feel of social security of women (Comparing two neighborhoods: Vanak and Sarasiab) ". *Women in Culture and Arts Quarterly (Women's Research)*, No 2, pp. 205-224. (In Persian)

Azekia, Mustafa and Ghafari, Gholamreza (2004). *Sociology of Development*, Tehran: Kayhan Publications. (In Persian)

Bagheri, Nasreen; Khani, Mahmoud (2018) The effect of marginalization on the sense of public security with a social prevention approach (case study: Khorramabad city), *Lorestan Police Science Quarterly*, 7th year, 3rd issue, pp. 177-258. (In Persian)

Bahiraee, H. , & Asadi, A. (2009). The role of Marginal Settlements in the Occurrence of Social Problems. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*, 18 (71), 31-37. (In Persian)

Bahrami, Rahmatullah (2009) " Effective Factors on Forming the Informal Settlement at the Outskirt of Cities and its Effect on the Security of Society: Case Study in City of Sanandaj. *JHRE*; 28 (126) :58-71. (In Persian)

Bakhtiar, Taghi, Hashemi, Hamid; Sidi, Seyyed Abbas (2012) "Evaluation of the impact of marginalization on social crimes (case study of Mashhad city)". *Social Order Quarterly*, 5th year, number 2, pp. 139-163. (In Persian)

Bashirie, Tahmoore, & Mozafari, Mohammad Saeed. (2018) The Study of Marginalization's Impact of Crime (Marginalization Districts of Dowlat Abad in the Kermanshah), *JOURNAL OF CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY RESEARCH*, 6 (11), 161-190. (In Persian)

- Buchner, Jessica Ebrand and Maria Chene, Transparency International Ellie McDonald, Equal Rights Trust. Isabelle
- Bullok, j, Jekins, M. (2002). Corrption and Marginalizatin, Transparency International Anti-Corruption Helpdesk Answer,
- Chalabi. Masoud (2017), social analysis in the space of action, Tehran: Ney Publication,, second edition.
- Chambers, Richard, (1377) Rural development and giving priority to the poor, translated by Mustafa Azkia, Tehran: University of Tehran.
- Ghaderzade, O. , & Khazaie, S. (2014). A qualitative study of semantic implications women's sense of insecurity in public spaces. *Woman in Development & Politics*, 12 (3), 405-424. doi: 10. 22059/jwdp. 2014. 53691. (In Persian)
- Ghasemi Ardahai, Ali; Nobakht, Reza (2014) "Living on the margins and the feeling of security: a study of young people living on the margins of Tabriz", *Population Journal*, pp. 57-57-37. (In Persian)
- JAVANMARD, KARAMOLLAH, & Yousefvand, Parvaneh. (2021). Social capital and sense of security between the suburbs and the central region (Khorramabad city). *QUARTERLY OF ORDER AND SECURITY GUARDS*, 14 (2 (54)), 57-82. (In Persian)
- Karevani, Abdollatif * , Pourmanafi, Abolfazl , Raisi, Somayeh (2021) Qualitative Analysis of Conditions and Causes of Poverty and Insecurity in the Border Areas Case Study: Sistan and Baluchestan Province, *Research Journal of Border Studies*, Volume:8 Issue: 30 . (In Persian)
- Kargar, Bahman, (1390). City, margin and social security, Tehran: Geographical Organization of Armed Forces. (In Persian)
- Kate Brown, Katie Ellis, Kate Smith (2020). Vulnerability as lived experience: Marginalised women and girls in the UK.
- Katgar, B. (2008). Marginalization and urban security. *Geography*, 5 (15), 139-148. .
- Khayat S, Dolatian M, Fanaei H, Navidian A, Mahmoodi Z, Kasaieian A. Study of Lifestyle, the Most Important Challenge and Its Related Factors in Suburban Women. *j. health* 2021; 11 (5) :652-663. (In Persian)
- Lewis, Oscar (1353), *Culture of Poverty*, translated by Mehdi Soraya, *Nameh Ulum Ijtmai*, No. 4, 1st pub. , 124-137.
- Mohamadpour, A. , & Alizadeh, M. (2011). Women and the culture of poverty: A qualitative study of the family- leading women supported by Sari Welfare Organization. *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, 0 (0), -. doi: 10. 22067/jss. v0i0. 18993. (In Persian)
- Mohammadi Birang, M. , & Azae, A. (2019). Analyzing Women's Sense of Security in Public Spaces with Emphasis on Urban Parks, Case Study:. *Journal of Urban Ecology Researches*, 10 (20), 27-40. doi: 10. 30473/grup. 2020. 7076. (In Persian)
- Mohammadi, jamal, & moradi padook, maryam. (2014). an investigation of women's sense of security in urban places (case of study: districts 5 and 13 of the city of esfahan). *Urban studies*, 3 (9), 155-172. (in persian)
- Mohammadpour, Ahmed (2018), *Anti-Method, Logic and Design in Qualitative Methodology*, Volume 1, Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Moore, Stephen, (1376) *An Introduction to Sociology*, translated by Morteza Saqib Far, Tehran: Phoenix. (In Persian)

- Naghdi A, Sadeghi R. (2006). Informal Settlement an Obstacle Against Urban Sustainable Development (Case Study of Hamedan Informal Settlements, Social Welfare Quarterly. 5 (20), 213-234.
- Naghdi, A. , & Tavana, A. (2020). . . Journal of Social Problems of Iran, 11 (1), 135-160. doi: 10. 22059/ijsp. 2020. 79197. (In Persian)
- Naghdi, A. , & Zare, S. (2010). The Fourth World: Urban Marginality, Associated Problems and Some Proposed Solutions in Hamedan. Journal of Social Problems of Iran, 1 (3), (In Persian)
- Naghdi, asadollah, & zare, sadegh. (2014). Attitudes and socio-cultural behaviors of female slum dwellers (case of study: sa'adi township of shiraz). Urban studies, 3 (9), 67-96.
- Naghdi, asadollah, & zare, sadegh. (2012). Slum dwelling as a threat to sustainable urban development and health. Urban studies, 1 (1), 125-146. (in persian)
- Nourouzi, feyz elah, & fouladi sepehr, sara. (2010). The study of feeling of social safety among 15-29 year women in tehran and its determining factors. Rahbord, 18 (53 (special issue for cultura and social studies)), 129-159. (in persian)
- Pazoki, M. , Shaikhi, D. , & Yourdkhani, M. (2018). Affecting Factors on the crime rate increase in the informal settlements (Case study: pakdasht city). , 11 (41), 139-160. (In Persian)
- Piri, Fardin; Mohammadi, Mirsadeq (2019) "Investigation of environmental design indicators on the rate of occurrence of iimportant crimes in the peripheral areas of Urmia city", Police Geography Research Journal, 29 series, pp. 102-81. (In Persian)
- Pourahmad, Ahmad; Arvin Nagar Rahimpour, Mahmoud (2017). Evaluation women's sense of security in urban areas (Case Study: Region 1 of Ahvaz City). Motaleate Shahri, 6 (23), 53-68. (In Persian)
- Rasekh ,Keramatollah ; Mahmudi Meymand ,Somayeh (2019) The social factors affecting the youth crime among slum dwellers in Kerman City, Crime Prevention Studies Quarterly, Volume:14 Issue: 52, , pp. 9-28. (In Persian)
- Sadeghi Fasaee, S. , & Mirhosseini, Z. (2011). A Study On Factors Affecting Victimization of Woman Living in Tehran. Woman in Development & Politics, 9 (1), 35-62. (In Persian)
- SAJJADZADEH, HASSAN, IZADI, MOHAMMAD SAEID, & HAGHI, MOHAMMAD REZA. (2018). Influence of Environmental Factors on Sense of Security in Informal Settlements of Hamedan. GEOGRAPHICAL URBAN PLANNING RESEARCH, 5 (4) , 705-720 . (In Persian)
- Sanati sharghi, nader, vahidi, rouhollah, & hamidi, soheil. (2017). Structural analysis of the relationship between suburbanization and crime, journal of social order (entezam-e-ejtemaei), 9 (3) , 57-82. (in persian)
- Sasman, M. Dolan, C. B Villegas, D. Eyob, E. Barrett, C. (2021). The Influence of Marginalizatin on Cultural Attitudes and Trash Disposal Practices in Esfuerzo de Paraiso of the Dominican Republhc, A Qualitaive Interview Study. Int. J. Environ. Res. Public Health, 18, 2872. <https://doi.org/10.3390/ijerph18062872>. (In Persian)
- Shaterian, m. , & oshnooi, a. . (2013). Effective factors on forming slum-dwellers the case study of "pomp-e-ra'yati" and "qorbatha" of kashan city. Geography, 11 (36), 201-214
- sadeghiseghdel, hosein, asari arani, abbas, roknodin eftekhari, abdolreza, & mohamadi tirandazh, minoo. (2020). Investigating the effective macroeconomic components on the process of marginalization after the islamic revolution. Geography and territorial spatial arrangement, 10 (36) , 103-124. (in persian)

- Shaterian, M. , Heidary, R. , Shaterian, M. , & Dolatyaran, K. (2020). Modeling and analyzing the factors affecting the occurrence of crime in informal settlements (case study: kashan informal settlement. *Regional Planning*, 10 (37), 91-108. (In Persian)
- Shaterian, M. , Hoseynizade Arani, ., S. S. , Sakhayi, A. , & Hoseyni, M. R. (2016). Institution of Religion and Security; Relationship between Religiosity and Sense of Social Security among the Residents of Peripheral Areas of Kashan City. *Sociology of Social Institutions*, 3 (7), 149-121. (In Persian)
- Shatrian, Mohsen; Heydari, Rasul; Shatrian; Kamran Davalitaran, Mahmoud. (2019) "Modeling and analysis of factors affecting the occurrence of crime in the marginal areas of Kashan city". *Regional Planning Quarterly*, serial 37, pp. 91-108. (In Persian)
- Yarmohammad Ghasemi , Zahra Abdollahi* , Omid Mohammadzadeh (2019) The Evaluation of the Impacts of Marginalization on the Spread of Social Damages (Case Study: Khatamieh and Mehrabad Districts in Ilam City). *Crime Prevention Studies Quarterly*, Volume:8 Issue: 29,, pp. 121-144. (In Persian)